



Critical Analysis of Seyyed Muhammad Javad Shubeiry's Method in Source Identification of Narrative Works

Aminah Haddadi¹

Nosrat Nilsaz^{2*}

Nahleh Gharavi Naeni³

Muhammad Kazem Rahmati⁴

Abstract

Source Identification of compilatory works in the sense of identification the sources of existing narrative work, has been considered by hadith scholars in Iran recently since two decades ago. Seyyed Muhammad Javad Shubeiry Zanjani, tooks the first steps of methodical study by presenting articles in this issue. He presented a method by applying Isnad-text components in source identifying of compilatory works and used it in Al-Ghibah of Abu Abdullah Muhammad ibn Ibrahim al-Numani. In this research, Shubeiri Zanjani's articles have been studied, analyzed and criticized in order to determine the quiddity, the manner of applying, and the effectiveness of his method. The result of this research is that his method includes various Isnad-text components; Most of its components are not alone effective in all cases; the manner of applying some components is unclear; in some cases, it needs to be revised and corrected, and in some cases it has not been used properly.

Keywords

Seyyed Muhammad Javad Shubeiry, Source Identification, Al-Ghibah, Al-Numani.

Article Type: Research

1. Ph.D Student in Quran and Hadith Studies, Tarbiat Modares University.

Email: a.hadadi@modares.ac.ir

2. Responsible Author, Associated Professor, Tarbiat Modares University.

Email: Nilsaz@modares.ac.ir

3. Professor of Tarbiat Modares University. Email: naeni_n@modares.ac.ir

4. Assistant Professor of the Islamic Encyclopedia Foundation. Email: kazemr112@gmail.com

Received on: 13/03/2021 Accepted on: 28/06/2021

Copyright © 2021, Haddadi, Nilsaz, Gharavi Naeni & Rahmati

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره مجله: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2021.2494

تحلیل انتقادی روش سید محمدجواد شبیری در بازیابی منابع آثار روایی

آمنه حدادی^۱
نصرت نیل ساز^۲
نهلله غروی نائینی^۳
محمدکاظم رحمتی^۴

چکیده

«بازیابی منابع» آثار روایی به مفهوم شناسایی منابع آثار روایی موجود، از حدود دو دهه پیش در ایران، مورد توجه پژوهش‌گران حوزه حدیث قرار گرفته است. سید محمدجواد شبیری اولین گام‌های مطالعه روش‌مند در این موضوع را با ارائه مقالاتی برداشت. وی روشی سندی - متنی شامل پنج مؤلفه در بازیابی منابع آثار روایی معرفی کرد و آن را در شناسایی منابع «الغیبه» نعمانی به کار گرفت. در این مقاله، پژوهش‌های شبیری در حوزه بازیابی منابع آثار روایی مورد مطالعه، تحلیل و نقد قرار گرفته تا چپستی، نحوه به کارگیری و میزان کارآمدی آن بررسی شود. حاصل این بررسی، استخراج ده مؤلفه در روش وی در بازیابی منابع آثار روایی است. اشکال‌هایی در اصل و نحوه اجرای برخی از این مؤلفه‌ها وجود دارد که در صورت برطرف شدن، این روش می‌تواند روشی کارآ و موثر در بازیابی منابع آثار روایی باشد.

کلیدواژه‌ها

سید محمدجواد شبیری، بازیابی منابع، الغیبه، نعمانی.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس. a.hadadi@modares.ac.ir
 ۲. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول). Nilsaz@modares.ac.ir
 ۳. استاد دانشگاه تربیت مدرس. naeeni_n@modares.ac.ir
 ۴. استادیار بنیاد دایرة المعارف اسلامی. kazemr112@gmail.com
- تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسألہ

اہمیت و جایگاہ حدیث و نقش آن در ابعاد گوناگون زندگی مسلمانان، ضرورت تشخیص و تمیز میان روایات و آثار روایی اصیل و معتبر را از غیر آن نشان می‌دهد. بازیابی منابع آثار روایی، یافتن منابع متقدم (اعم از مفقود یا موجود) آثار روایی موجود است کہ با اهداف مختلفی^۱ از جمله سنجش اصالت و اعتبار آثار روایی صورت می‌گیرد. اندیشه جعل و تحریف در حدیث اسلامی کہ ابتدا از سوی حدیث‌پژوهان غربی مطرح شد، تردیدهایی را نسبت به اصالت و اعتبار حدیث مسلمانان ایجاد کرد. گلدتسیہر^۲ از سردمداران این اندیشه در میان خاورشناسان بود. بنابر باور وی، بہ دلیل وقوع جعل گسترده در حدیث اسلامی، شناسایی احادیث صحیح از احادیث مجعول غیر ممکن است. دیدگاه وی در میان برخی دیگر از خاورشناسان مانند شاخ^۳ بہ شکل افراطی تری دنبال شد. بہ اعتقاد شاخ، احادیث فقہی، تنہا نمایانگر آراء و اندیشہ‌های مذاہب فقہی است کہ در دورانی پس از پیامبر (ص) و صحابہ شکل گرفته و بہ صورت حدیث عرضه شده است. دیدگاه‌های گلدتسیہر و شاخ از سوی بسیاری دانشمندان، مورد نقد قرار گرفته است (برای تفصیل بیش تر نک. نیلساز، ۱۳۹۳ ش، ۱۸-۳۷).

بازیابی منابع آثار روایی، کہ با روش‌های مختلف سندی و متنی صورت گرفته است، با معرفی منابع متقدم آثار روایی، تاریخ روایات یک اثر را تا لاقبل زمان نگارش منابع شناسایی شدہ جلو می‌برد و بدین ترتیب سبب می‌شود تاریخ روایت بہ زمان صدور آن نزدیک تر و اصالت و اعتبار آن اثر روایی، نمایان تر شود.

توجہ بہ بازیابی منابع آثار روایی مسلمانان در میان حدیث‌پژوهان غربی، از قرن نوزدهم میلادی توسط اشپرنگر^۴ و هورویتس^۵ شکل گرفت و توسط افرادی دیگر مانند ولہاوزن^۶ در بازیابی منابع تاریخ طبری (۲۲۴-۳۱۰ ق) و فتوح البلدان بلاذری (۲۷۸د-۲۷۹ ق)، بازیابی منابع تفسیر طبری توسط ہربرت ہورست^۷ و مطالعات ہارالد موتسکی^۸

۱. از دیگر اهداف بازیابی منابع آثار روایی می‌توان بہ افزایش اعتبار آن منابع، بازسازی آثار مفقود، کشف تحریفات و تصحیفات واقع در اسناد، تمییز مشترکات و برطرف کردن ابہامات موجود در سند، یافتن طرق در اسناد و تاریخ‌گذاری روایات اشارہ کرد (شبییری، ۱۳۹۴ ش، ۳۸۲).

2. Ignaz Goldziher (1850-1921).
3. Joseph Schacht (1902-1969).
4. Aloys Sprenger (1813-1893).
5. Josef Horovits (1874-1931).
6. Julius Wellhausen (1844-1918).
7. Heribert Horst (1925-2012).
8. Harald Motzki (1948).

بر المصتف عبدالرزاق صنعانی (۱۲۶-۲۱۱ق) ادامه یافت. فؤاد سزگین^۱ اولین دانشمند مسلمانی است که به حوزه بازبازی منابع آثار روایی وارد شد و به گونه‌ای روش مند، به شناسایی منابع برخی از آثار روایی اهل سنت مانند صحیحین و تاریخ و تفسیر طبری پرداخت (سزگین، ۱۴۰۴ق، ۱۵۲).

اولین مقاله در حوزه بازبازی منابع در ایران در حدود دو دهه پیش توسط سید محمدجواد شبیری پیرامون الغیبة ابو عبدالله محمدبن ابراهیم نعمانی با عنوان «الکاتب نعمانی و کتابه الغیبة» (شبیری، ۱۴۱۹ق، ۱۷۵-۲۳۸) نگاشته شد.^۲ وی این موضوع را در مقالات دیگری نیز پی گرفت. پس از شبیری، مقالات متعدد در موضوع بازبازی منابع آثار روایی ارائه شده است. این مقالات، برخی در ارتباط با جوامع حدیثی و به ویژه الکافی هستند^۳؛ دسته‌ای به بازبازی منابع تک‌نگاره‌های حدیثی پرداخته‌اند^۴؛ دسته سوم نیز به طور کلی به مبحث بازبازی منابع آثار روایی تعلق دارند^۵. در این مقاله سعی شده است تا پس از واکاوی مقالات شبیری^۶، مؤلفه‌های روش وی استخراج شود، شیوه شده است تا پس از واکاوی مقالات شبیری^۶، مؤلفه‌های روش وی استخراج شود، شیوه

1. Fuat Sezgin (1924-2018).

۲. انتخاب کتاب الغیبة نعمانی به این دلیل بوده است که این کتاب، یکی از سه اثر متقدم در موضوع غیبت و متقدم‌ترین آن‌هاست. دو اثر دیگر عبارتند از کمال‌الدین و تمام‌النعمه شیخ صدوق و الغیبة شیخ طوسی.
۳. این مقالات عبارتند از: «بازبازی متون کهن امامی در آثار شیخ صدوق»، «کتاب حلبی، منبعی مکتوب در تألیف الکافی»، «جستاری در باب منابع داده‌های تاریخی کتاب الکافی»، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی»، «اسناد پرتکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی»، «الگو بای اسناد کلینی به کتاب زرارة بن أعین»، «تبارشناسی منابع روایات اعتقادی کافی» و «الکافی و روایات اسحاق بن محمداحمر نخعی؛ تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق».
۴. این مقالات عبارتند از: «درنگی در منابع مکتوب الايضاح»، «مسائل محمدبن مسلم در کافی کلینی»، «سرچشمه‌های متنی کهن، سیری در منابع تفسیر نعمانی»، «بازشناسی مصادر کتاب الغیبة طوسی»، «آثار شیخ مفید در آثار سیدبن طاووس»، «مبانی و روش‌های بازبازی متون کهن حدیثی در سایه بازبازی کتاب زیدبن وهب»، «بازبازی منابع تفسیر قمی»، «حسن بن عباس بن حریش و کتاب اتنا انزلناه فی لیلة القدر»، «کارکرد فهرست‌های نجاشی و شیخ طوسی در تکمیل روش سزگین در بازبازی منابع آثار کهن روایی، مطالعه موردی کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی»، «النوادر اشعری مصدر حدیثی الکافی کلینی»، «بازبازی و اعتبارسنجی آثار علی بن مهزیار با تکیه بر بخش اصول کتاب الکافی»، «بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبة نعمانی» و «مصادر کتاب مقتل امیرالمؤمنین علی (ع) تألیف ابن ابی‌الدنیا».
۵. مقاله «پیشینه مکتوب منابع معتبر حدیثی شیعه امامیه» مسئله مکتوب بودن منابع آثار کهن روایی را بر اساس تصریح صاحبان آثار متقدم اثبات نموده است و مقاله «تبیین و ارزیابی نظریه سزگین درباره شناسایی و بازسازی منابع جوامع روایی»، علاوه بر تبیین و توضیح نظریه سزگین پیرامون نقل مکتوب، به معرفی روش او در این حوزه و نقد آن پرداخته است.
۶. شبیری، سید محمدجواد، «الکاتب نعمانی و کتابه الغیبة»، ۱۴۱۹ق، علوم الحدیث، ش سوم، صص ۱۷۵-۲۳۸؛ همو، «منابع نعمانی در غیبت»، ۱۳۹۴ش، در عمادی حائری، سید محمد، بازسازی متون کهن حدیث شیعه، قم، دارالحدیث، صص ۳۷۹-۴۳۰؛ همو، «مصادر الشیخ الطوسی فی کتابه التهذیب الاحکام»، ۱۴۲۰ق، علوم الحدیث، سال سوم، ش ششم، صص ۱۶۸-۲۲۴.

به کارگیری آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد و میزان دقت و کارآمدی آن‌ها سنجیده شود. روش شبیری در بازیابی منابع آثار روایی، تاکنون در هیچ پژوهشی مورد بررسی و نقد قرار نگرفته است.

مبانی و معیارهای نقد روش شبیری در این مقاله، بر پژوهشی از نگارندگان همین مقاله استوار است (نک. حدادی و دیگران، در دست انتشار) که در آن، نه گام در بازیابی منابع آثار روایی معرفی شده است. این گام‌ها که از مطالعات صورت گرفته در حوزه بازیابی منابع و نوآوری‌های نگارندگان، بر پایه نقش حلقه مشترک در سلسله اسانید روایات به دست آمده، عبارتند از: ۱. استخراج اسانید؛ ۲. تعیین حلقه‌های مشترک؛ ۳. شناسایی حلقه‌های مشترک صاحب تألیف؛ ۴. بررسی کارکرد حلقه‌های مشترک صاحب تألیف؛ ۵. اطمینان از انتساب و عنوان کتاب‌ها؛ ۶. مقابله متون؛ ۷. مقایسه طرق آثار با اسانید روایات؛ ۸. بررسی موضوعی-آماری؛ ۹. بررسی شواهد فرعی. در گام‌های ششم تا نهم این روش از روش شبیری زنجانی، الگوگیری شده است.

۲. مؤلفه‌های روش شبیری در بازیابی منابع آثار روایی

آنچه در قالب روش شبیری در بازیابی منابع آثار روایی ارائه خواهد شد، برخی به طور واضح از سوی وی به عنوان مؤلفه‌های این روش ذکر شده و برخی ضمن تحلیل‌هایش در مقالات مختلف به دست آمده است.

۲-۱. تصریح مؤلف یا راویان

تصریح مؤلف بر منابع اثر خود، اولین مؤلفه‌ای است که گرچه شبیری آن را به طور واضح در شمار مؤلفه‌های روش خود معرفی نکرده، اما به طور جدی مورد توجه قرار داده است. در آغاز بررسی کتاب الغیبة نعمانی (د ۳۶۰ق) اشاره کرده که نعمانی مانند دیگر محدثان قدیم، در الغیبة، به منابع خود تصریح نکرده است؛ به جز یک‌بار که از کتاب سلیم بن قیس هلالی (دو سال قبل از هجرت-۷۶ق) به عنوان منبع خود یاد کرده است (همان، ۱۸۷). اما روایات زیادی را در الغیبة از ابن عقده (۲۴۹-۳۳۲ق) وجود دارد که وی به منابع خود (گاه با ذکر تاریخ) تصریح کرده است. در این موارد، شبیری بر تصریح‌های ابن عقده کاملاً اعتنا کرده (شبیری، ۱۳۹۴ش، ۳۸۴-۳۸۷ش، ۹-۱) و حتی آن‌ها را مبنای داوری‌های دیگر خود قرار داده است. به عنوان مثال در مورد جعفر بن عبدالله محمدی (زنده در ۲۶۰ق)، بنا بر تصریح ابن عقده، وی را منبع دانسته،

اما از آن جا که نجاشی برای وی تنها کتاب المتعة را معرفی کرده (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۷، ش ۷۳) و تناسبی میان این عنوان این کتاب و روایات مورد نظر ندیده، وی را صاحب کتاب دیگری شمرده است. همچنین در روایات ابن عقده از ابن مستورد أشجعی (۲۶۱د- ۲۷۰ق)، با آن که نام ابن مستورد در رجال نجاشی (۳۷۲- ۴۵۰ق) و فهرست شیخ طوسی (۳۸۵- ۴۶۰ق) ذکر نشده، بنابر تصریح ابن عقده، او را مؤلف و منبع شمرده است (نک. شبیری، ۱۳۹۴، ش ۳۸۵- ۳۸۶). این مؤلفه در بسیاری از پژوهش های صورت گرفته در این موضوع پس از شبیری مورد توجه قرار گرفته است^۱.

۲-۲. مقابله متون

دومین مؤلفه این روش که از آن در اثبات منبع بودن یک اثر استفاده شده، مقابله آن با منبع احتمالی است (شبیری، ۱۴۱۹ق، ۱۸۸). منابع احتمالی یک اثر، آثار افرادی هستند که در سلسله سندهای کتاب مورد بازیابی قرار دارند. شبیری این مؤلفه را از دیگر مؤلفه ها در بازیابی منابع مؤثرتر دانسته است؛ همچنان که مغایرت متنی و سندی روایات یا شواهدی از این دست را، عواملی دانسته که می تواند نسبت دو اثر با یکدیگر را نفی کند (همان جا). وی از این مؤلفه در رد ادعای برخی پژوهش گران معاصر مبنی بر آن که بیشتر احادیث باب «ما جاء فی الاثنی عشر و النقص علیهم» از کتاب الحجة الکافی بعدها به این کتاب ملحق شده استفاده کرده است. حاصل این مقابله آن بوده است که سه روایت از چهار روایتی که گمان برده شده نعمانی آن ها را از باب مورد نظر الکافی گرفته، با اختلافاتی در متن یا سند یا هر دو در الکافی آمده است؛ به گونه ای که می توان یقین کرد که روایات از الکافی گرفته نشده اند (همو، ۱۳۹۴، ش ۴۲۶).

علاوه بر این در روایت «أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد عن هوالء الرجال عن ابن محبوب وأخبرنا محمد بن يعقوب الكليني أبو جعفر قال حدثني علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه قال وحدثني...» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۲۷۹، ح ۶۷)، به دلیل آن که از مقابله الغيبة و الکافی، این نتیجه به دست آمده که چنین روایتی در الکافی نیست، دو احتمال مطرح شده است؛ یکی آن که این روایت از منقولات شفاهی نعمانی باشد و از منبعی

۱. به عنوان نمونه، قاضی نعمان مغربی در الايضاح، نام آثار مورد استفاده خود را ذکر کرده است؛ اما از مؤلفان آثار نامی به میان نیاورده است. در مقاله «درنگی در منابع مکتوب الايضاح» با استفاده از تصریح مؤلف، منابع احتمالی از میان افرادی که آثاری با آن عناوین داشته اند بررسی شده اند (عمادی حائری، ۱۳۸۵، ش ۱۳۹- ۱۴۶). علاوه بر این، در مطالعات دیگری نیز که بر الغيبة نعمانی صورت گرفته است، به تصریح نعمانی در استفاده از کتاب سلیم بن قیس در بازیابی منابع نعمانی توجه شده است (معرفت و غفوری نژاد، ۱۳۹۷، ش ۸).

مکتوب اخذ نشده باشد و دیگر آن که از دیگر آثار کلینی باشد. این مؤلفه نیز به ویژه در پژوهش‌هایی که یکی یا برخی از منابع احتمالی موجود بوده، مورد توجه بوده است.^۱

۲-۳. تناسب موضوعی

در این روش، وجود نام مؤلفان کتاب‌ها در سلسله سند حدیث و هماهنگی موضوع روایت با موضوع کتاب یا کتاب‌های آن مؤلف، دلیلی بر اخذ روایت از یک کتاب شمرده شده است (شبییری، ۱۳۹۴ش، ۳۸۴). شبیری در اولین گام عملی در روایات نعمانی از ابن عقده (۲۴۹-۳۳۲ق) شیخ مستقیم نعمانی، وی را به دلیل صاحب‌اثر نبودن در زمینه غیبت کنار گذاشته و بررسی‌های خود را با مشایخ ابن عقده ادامه داده است (همو، ۱۴۱۹ق، ۱۸۹). علاوه بر این، در روایات نعمانی از ابن عقده از احمد بن یوسف که همگی از اسماعیل بن مهران از ابن ابی حمزه است، ابن ابی حمزه به دلیل آن که صاحب آثار متعدد از جمله در موضوعات مربوط به غیبت است، به عنوان منبع شناخته شده است (همو، ۱۳۹۴ش، ۳۸۴-۳۸۵). این مؤلفه نیز در مقالات مختلف مورد توجه قرار گرفته است.^۲

۲-۴. ابهام در سند

مؤلفه دیگری که شبیری در بازبینی منابع آثار روایی مطرح کرده است، مبتنی بر غیر مبهم بودن نام راویان در طریق دسترسی به کتاب‌ها در فهرست‌ها (رجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی) و مشیخه‌ها (تهذیب، استبصار، من لایحضر الفقیه) است. بنابر این فرض در صورتی که در سند، تعبیر یا نام مبهمی مانند «رَفَعَهُ»، «بِإِسْنَادٍ لَهُ»، «رَجُلٌ»، «بَعْضُ رِجَالِهِ»، «عَمَّنْ ذَكَرَهُ» باشد، می‌توان یقین داشت که منبع روایت، در میان افراد پیش از نام مبهم است. در صورتی که پیش از نام مبهم تنها یک نفر قرار داشته باشد، در آن صورت همان فرد، منبع است و اگر بیش از یک نفر باشد، برای تشخیص منبع، به قرائن دیگر نیاز است (شبییری، ۱۴۱۹ق، ۱۸۹). به عنوان مثال در سند «أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بَدَنِيحِي عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَوْسَى الْعَلَوِيِّ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى ...» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۳۱۹، ح ۶) به دلیل وجود عبارت «عمن رواه»، احتمال

۱. برای نمونه نک. مقاله «النوادير اشعري، مصدر حدیثی الکافی کلینی» و «بازسازی کتاب الحج معاویة بن عمار و ارزیابی طرق روایات آن با تأکید بر احادیث زیارت».
۲. برای نمونه نک. «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی»، «چگونگی ارتباط کلینی با کتاب محمد بن مسلم در پرتو بررسی اسناد و داده‌های کتاب‌شناختی»، «الکافی و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی، تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق»، «بازسازی کتاب الحج معاویة بن عمار و ارزیابی طرق روایات آن با تأکید بر احادیث زیارت».

منیع بودن، به علی بن احمد بندنیجی و عبیدالله بن موسی العلوی محدود شده است (شبیری، ۱۳۹۴ش، ۳۸۹). همچنین در سند «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هُمَامٍ بْنِ سُهَيْلٍ قَالَ حَدَّثَنَا اَدْرِيسُ بْنُ زِيَادِ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا بَعْضُ شُيُوخِنَا...» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۳۷، ح ۱۱)، به دلیل وجود عبارت «بَعْضُ شُيُوخِنَا»، محمد بن همام منبع شناخته شده است^۱ (شبیری، همان جا). این مؤلفه در پژوهشهای بعدی، مورد توجه قرار نگرفته است.

۲-۵. تحویل در سند

تبیین شبیری از این مؤلفه چنین است که هنگامی که در سند، ضمیری وجود دارد که به شخص خاصی برمی گردد، مرجع آن ضمیر، مؤلف منبع مکتوب روایت شناخته شده است. این صورت از ارجاع، شکلی از تحویل در بخشی از سند با تکیه بر سند پیشین است و چگونگی تحویل سند، به خودی خود نمایانگر منبع مکتوب است (شبیری، ۱۴۱۹ق، ۱۹۸؛ همو، ۱۳۹۴ش، ۳۹۱).

به عنوان مثال در سند «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هُمَامٍ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَقَدْ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَا جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ...» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۱۸۳، ح ۳۲)، به دلیل عبارت «قَالَا جَمِيعاً» که دلالت بر تحویل دارد و عبارت «وَقَدْ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ» که به محمد بن همام برمی گردد، محمد بن همام، منبع شمرده شده است (شبیری، ۱۳۹۴ش، ۳۹۱). همچنین در سند «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ؛ قَالَ الْكَلْبِيُّ وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۱۶۲، ح ۲)، تکرار نام کلینی، گواه منبع بودن وی شناخته شده است (شبیری، ۱۳۹۴ش، ۳۹۲). نکته ای که در به کارگیری این مؤلفه بدان تذکر داده شده است آن است که اطمینان حاصل شود، تحویل مذکور در طریق روایت کتاب اتفاق نیفتاده باشد (همان، ۳۹۵). این مؤلفه نیز در برخی مقالات، در شناسایی منابع آثار روایی به کار رفته است^۲.

۱. متن روایت افتادگی دارد و شکل درست آن عبارت است از: «أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بِنْدَنِجِيِّ عَنِ عَبِيدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى».

۲. برای نمونه نک. «چگونگی ارتباط کلینی با کتاب محمد بن مسلم در پرتو بررسی اسناد و داده های کتاب شناختی»، «الکافی و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی، تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق»، «بازیابی و اعتبارسنجی آثار علی بن مهزیار با تکیه بر بخش اصول کتاب الکافی»، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی» در روایات باب «مولد ابی محمد الحسن بن

۲-۶. تکرار بخش آغازین^۱ سند در گروهی از روایات پی در پی

تکرار بخش آغازین سند در گروهی از روایات پی در پی یا تعلیق سند (به اضممار یا به تصریح با ذکر بهذا الاسناد در آغاز سند) مؤلفه دیگری در این روش است. متقدم‌ترین فرد در بخش مشابه‌ها، منبع این روایات شناخته شده است (شبییری، ۱۴۲۰ق، ۲۰۴)؛ به عنوان مثال پنج روایت متوالی در الغیبة وجود دارد که با اسناد «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ» شروع شده است و پس از آن، اختلاف ایجاد می‌شود. منبع روایت در این دسته روایات، علی بن الحسن معرفی شده است (همان، ۳۹۶-۳۹۷). این مؤلفه در برخی مقالات بدون اشاره به روش شبییری به کار گرفته شده است.^۲

۲-۷. وجود سندهایی با بخش ابتدایی مشترک در یک اثر

هر گاه سندهایی در یک اثر روایی وجود داشته باشند که از ابتدای سند (متأخرترین بخش سند) تا یک راوی مشخص یکسان باشند و پس از آن راوی با یکدیگر اختلاف پیدا کنند، آن راوی، منبع روایت است (شبییری، ۱۴۲۰ق، ۲۰۸). تفاوت این مؤلفه با مؤلفه قبل آن است که در مؤلفه قبل، شرط پیاپی بودن روایات وجود داشت، اما در این مؤلفه چنین نیست و روایات دارای ابتدای مشترک، می‌توانند در تمام اثر روایی، پراکنده باشند. به عنوان مثال روایات متعددی در الغیبة با این سند وجود دارد: «عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمَسْعُودِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ (بِقَم) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِي الْكُوفِيِّ عَنْ ...»^۳. این سندها تا محمد بن علی الكوفی مشترک و بعد از آن مختلف است. قسمت مشترک یادشده در این اسانید، طریق نعمانی به کتاب محمد بن علی الكوفی شناخته

علی»، «بازسازی کتاب الحج معاوية بن عمار و ارزیابی طرق روایات آن با تأکید بر احادیث زیارت» و «بازشناسی منابع احادیث کتاب الغیبة نعمانی».

۱. منظور شبییری از آغاز سند، سوی متأخر آن است (نک. شبییری زنجانی، سید محمد جواد، توضیح الاسناد المشکلة فی الکتب الاربعه، ۱۴۲۹ق، قم، دارالحدیث للطباعة و النشر، ۲: ۱۹۶).

۲. مدرسی طباطبایی در مقدمه میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخست هجری، این مؤلفه را مطرح کرده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳ش، ۱۶) که با توجه به تقدم مقالات شبییری، ممکن است از آن وام گرفته باشد و در مقالات مربوط به بازسازی آثار مفقود، در برخی موارد با اشاره به روش مدرسی طباطبایی و برخی بدون ذکر آن، به کار رفته است. در این مقالات اشاره‌ای به روش شبییری نشده است. برای نمونه نک. «بازسازی کتاب الحج معاوية بن عمار و ارزیابی طرق روایات آن با تأکید بر احادیث زیارت»، «روش دست‌یابی به منابع الکافی» و «الکافی و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی، تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق».

۳. برای نمونه نک. نعمانی، همان، ۸۵-۸۶، ح ۱۶-۱۷، ۹۰، ح ۲۰، ۱۱۵، ح ۱۱، ۱۵۶، ح ۱۸، ۱۸۳، ح ۳۴ و ...

شده و احتمال منبع بودن از دیگر افراد مانند: محمدبن یحیی و محمدبن حسان الرازی که با مؤلفه‌های دیگر، احتمال منبع بودنشان مطرح شده بود، نفی شده است (همو، ۱۳۹۴ش، ۴۱۲).

۲-۸. طریق به آثار

طرق ذکرشده در فهرست‌ها و مشیخه‌ها به منابع احتمالی یک اثر و مطابقت آن با سند روایت کتاب مورد بازیابی، از مؤلفه‌های مورد توجه شبیری است. به عنوان مثال در سند «أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَيْفٍ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ...»، علی بن سیف به استناد طریق نجاشی به منبع بودن مطرح شده است (شبیری، ۱۳۹۴ش، ۲۸۷، ش ۷۹۲)، به عنوان یکی از احتمال‌های بوده است تا طریق نعمانی به آثار منابع خود را از توسط اسانید پرتکرار الغیبه شناسایی کند و از آن‌ها به عنوان مؤلفه‌ای در تشخیص منابع روایات استفاده کند. به عنوان مثال از تکرار سند «مُحَمَّدُ بْنُ هُمَامٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْجُمْهُورِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ» در ابتدای چندین سند الغیبه به این نتیجه رسیده است که بخش تکراری، طریق نعمانی به کتاب حسن بن محمد بن الجمهور باشد و بنابراین در این روایات، حسن بن محمد بن جمهور منبع نعمانی است (شبیری، همان، ۴۰۴). از این مؤلفه، در مقالات مختلفی، بدون تصریح به روش شبیری، استفاده شده است.^۱

۲-۹. یافتن منابع واسطه

این باور که مشیخه‌ها، طریق دستیابی مستقیم مؤلف آن آثار به کتاب‌های حدیثی هستند، در میان محدثان همواره وجود داشته است. شبیری ضمن ارائه شواهدی از مشیخه تهذیب الاحکام، به وجود سه نوع متفاوت در طرق مشیخه‌ها اشاره کرده است تا اثبات کند همه آن طرق، معرف منبع مستقیم مؤلف نیستند.^۲

۱. این مؤلفه نیز پس از شبیری، توسط مدرسی طباطبایی مطرح شده (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳ش، ۱۶) و در مقالات مختلف به عنوان یکی مؤلفه‌های روش وی، برخی با تصریح نک. «مبانی و روش‌های بازیابی متون حدیثی کهن در سایه بازیابی کتاب زید بن وهب» و برخی بدون تصریح نک. «بازیابی متون کهن امامی در آثار شیخ صدوق» و «چگونگی ارتباط کتاب کلینی با کتاب محمد بن مسلم در پرتو بررسی اسناد و داده‌های کتاب‌شناختی» در بازسازی آثار مفقود به کار گرفته شده است.

۲. این دسته‌بندی از سوی سیدعلی سیستانی در حاشیه رساله قاعده لاضرر و لاضرار به نقل از شرح مشیخه‌التهذیبین ایشان که هنوز به چاپ نرسیده، گرفته شده است.

این سه نوع طریق عبارتند از: ۱. مواردی که شیخ طوسی از فردی که نام او را آورده، به طور مستقیم نقل کرده است؛ مانند بیشتر رجال مشیخه تهذیب از جمله محمد بن الحسن الصفار، محمد بن الحسن بن الولید و علی بن الحسن بن الفضال؛ ۲. افرادی که همه آنچه شیخ از آن افراد دریافت کرده، از منابع واسطه بوده است مانند بعضی از مشایخ کلینی و مشایخ مشایخ او مانند حسین بن محمد الأشعری و سهل بن زیاد که همه روایات آن‌ها توسط کتاب الکافی به شیخ رسیده است؛ ۳. افرادی که برخی از روایات آن‌ها را به صورت مستقیم و برخی را به صورت غیرمستقیم دریافت کرده است مانند افرادی که طریق به آن‌ها را یکبار مستقل (وَ مَا ذَكَرْتُهُ عَنْ فُلَانٍ ...) و بار دیگر ذیل طریق خود به دیگران یاد کرده است (وَ مِنْ جُمْلَةٍ مَا ذَكَرْتُهُ عَنْ فُلَانٍ ...).

از جمله این افراد می‌توان حسن بن محبوب، حسین بن سعید، احمد بن محمد بن عیسی، فضل بن شاذان و احمد بن محمد بن خالد را نام برد. به عنوان مثال شیخ در ذکر طرق خود به برقی، یکبار بعد از طرق خود به کلینی از او یاد کرده است (وَ مِنْ جُمْلَةٍ مَا ذَكَرْتُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ مَا رَوَيْتُهُ بِهِذِهِ الْأَسَانِيدِ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ ...) و یکبار دیگر به طور مستقل، طریق وی را ذکر کرده است (وَ أَمَّا مَا ذَكَرْتُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ فَقَدْ أَخْبَرَنِي ...). این وضعیت نشان می‌دهد که شیخ، گاه روایات او را به طور مستقیم از کتاب خود وی نقل کرده است و گاه به واسطه کتاب کلینی (به دلیل اعتماد به کتاب کلینی) روایت کرده است (شیبیری، ۱۴۲۰ق، ۱۹۳-۱۹۴).

شیبیری گرچه مسئله اخذ بالتوسط را در مورد مشیخه تهذیب مطرح کرده، اما به احتمال وجود آن را در ضمن مؤلفه‌های روش خود در بازبسی منابع الغیبة نعمانی نیز توجه کرده است. به عنوان مثال در سند (وَ أَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَالِدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ رَبِيعِ الزُّهْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ الْعَبَّاسِ الْحَسَنِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ الْبَطَّائِنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَرَّازٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)) و سندهای دیگری که تا الحسن بن علی بن ابی حمزه با این سند مشترک هستند و بنابر مؤلفه تکرار بخش آغازین سند، منبع روایت، حسن بن علی بن ابی حمزه است، احتمال منبع بودن احمد بن محمد بن ربیع را نیز به ویژه به دلیل داشتن کتابی با عنوان الدلائل مطرح کرده است (همو، ۱۳۹۴ش، ۳۹۷-۳۹۸).

۲-۱۰. شمارگان روایات یک راوی در یک کتاب

این مؤلفه از دیگر مؤلفه‌های روش شبیری، فرعی‌تر است و به عنوان قرینه‌ای در نفی نسبت منبع بودن از یک فرد استفاده شده است. در سند «وَأَخْبَرَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ رَبِيعِ الزُّهْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْحَسَنِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ الْبَطَّائِنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خُرَّازٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)» (نعمانی، همان، ۳۶-۳۷، ح ۶-۱۰) و روایات پس از آن که تا نام الحسن بن علی بن ابی حمزه معلق به این سند است، بنابر مؤلفه تکرار بخش آغازین در سندهای پی‌درپی، حسن بن علی بن ابی حمزه مؤلف شناخته شده است (شبیری، ۱۳۹۴ ش، ۳۹۸). پس از آن، این احتمال نیز داده شده که این روایات از احمد بن محمد بن رباح که صاحب الدلائل نیز هست گرفته شده باشد (همان، ۴۰۱).

در ذیل این قرینه، احتمال اخذ تنها دو روایت از احمد بن محمد بن رباح با سند یادشده و یک سند مشابه دیگر در الغیبه که به جای ابن ابی حمزه، منتهی به عبدالکریم بن عمرو است: «عبدالواحد بن عبدالله بن یونس عن احمد بن محمد بن رباح الزهري عن احمد بن علي الحميري عن الحسن بن ايوب (ع) عبدالکریم بن عمرو الخثعمی...» بعید دانسته شده و دلیل آن چنین ذکر شده است که در رجال نجاشی، نام احمد بن رباح در طریق آثار افراد مختلفی آمده و احتمال اخذ تنها دو روایت در الغیبه از چنین فردی بعید است و به این ترتیب در این روایات، احمد بن محمد بن رباح، در طریق آثار ابن ابی حمزه و عبدالکریم بن عمرو الخثعمی به حساب آمده است (همان، ۴۰۲).

۳. تحلیل انتقادی روش شبیری در بازیابی منابع آثار روایی

نقد‌های وارد بر روش شبیری در دو بخش مزایا و معایب عبارت است از:

۳-۱. مزایا

روش شبیری، ویژگی‌هایی دارد که از فزونی‌ها و برتری‌های پژوهش او نسبت به دیگر پژوهش‌ها در این مبحث است که موارد زیر از جمله آن‌هاست.

۳-۱-۱. تنوع و تعدد مؤلفه‌های روش

در این مقاله، ده مؤلفه به عنوان مؤلفه‌های روش شبیری شناسایی و معرفی شد. فراوانی تعداد مؤلفه‌ها و تنوع آن‌ها که از مزایای این روش است، سبب می‌شود این مؤلفه در شناسایی منابع در نمونه‌های متفاوت، کارآ باشد.

۳-۱-۲. مواجهه عملی صحیح با سند

شروع از ابتدای سند (متأخرترین بخش سند)، اقدامی دقیق و درست در بررسی سندی به منظور یافتن منابع روایات از سوی شبیری است که در اغلب پژوهش‌ها مورد غفلت قرار گرفته و به نتایج غلط منجر شده است^۱؛ ضرورت بررسی از ابتدای سند از آن‌روست که احتمال اخذ روایت و دسترسی به آثار، در مشایخ مستقیم یک مؤلف پیش از افراد متقدم‌تر از آنان است.

۳-۱-۳. توجه به احتمال اخذ از منابع واسطه

توجه به این مؤلفه، از دقت‌های شبیری در موضوع بازیابی منابع آثار روایی است. این مؤلفه در بسیاری از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این موضوع، به ویژه مواردی که پیش از بررسی احتمال‌های متأخرتر در سند روایات، احتمال منبع‌بودن را به افراد متقدم سند محدود کرده‌اند، مورد غفلت واقع شده است^۲.

۳-۲. کاستی‌ها

روش شبیری، در کنار مزایا و فزونی‌هایش، اشکال‌ها و کاستی‌هایی نیز دارد که سعی شده در قالب مؤلفه‌های زیر گنجانده شود.

۳-۲-۱. ذکر نشدن منابع یا خاستگاه‌های مؤلفه‌ها

شبیری در پژوهش‌های خود در مبحث بازیابی منابع، پیرامون آن‌که مؤلفه‌های روش خود را از منابعی دریافت کرده یا از نوآوری‌های خود اوست، توضیحی ارائه نکرده است؛ اما شباهت میان برخی مؤلفه‌های روش وی و دیگران، احتمال بهره‌گیری از آنان را مطرح می‌کند. به عنوان مثال مؤلفه «وجود اسانید با بخش ابتدایی مشترک در یک اثر» شباهت بسیاری به روش سزگین در بازیابی منابع آثار روایی دارد

۱. برای نمونه نک. «کتاب حلبی؛ منبعی مکتوب در تألیف الکافی»، «بازیابی روایات ابی حمزه بطنی»، «بازیابی آثار علی بن مهزیار»، «الکافی و روایات اسحاق بن احمر نخعی؛ تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق» و «چگونگی ارتباط کلینی با کتاب محمد بن مسلم در پرتو اسناد و داده‌های کتاب‌شناختی».

۲. برای نمونه نک. «کتاب حلبی؛ منبعی مکتوب در تألیف الکافی»، «بازیابی روایات ابی حمزه بطنی»، «بازیابی آثار علی بن مهزیار»، «الکافی و روایات اسحاق بن احمر نخعی؛ تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق» و «چگونگی ارتباط کلینی با کتاب محمد بن مسلم در پرتو اسناد و داده‌های کتاب‌شناختی».

(سزگین، ۱۳۸۰ش، ۱۲۱) که حدود چهار دهه پیش‌تر از اولین پژوهش شبیری در این مبحث مطرح شده است. از این رو می‌بایست دست‌کم به عنوان پیشینه بدان اشاره یا در صورت وام‌گیری، ارجاع داده شود.

۳-۲-۲. تبیین ناقص یا عدم تبیین کارکرد مؤلفه‌ها

برخی از مؤلفه‌های این روش، گاه بدون تبیین و گاه با تبیین ناقص در چگونگی دلالت بر منابع روایات، به کار گرفته شده‌اند که موارد زیر از جمله آن‌هاست: الف. دلالت تحویل در سند به منابع آن روایت/روایات، دلالت واضحی نیست و از سوی نویسندگان نیز توضیحی درباره آن ارائه نشده است. علاوه بر این دشواری دیگری نیز در به‌کارگیری این مؤلفه وجود دارد این عبارت است که: «استفاده از این قرینه همچنین محتاج گردآوری شواهدی است که احتمال تحویل در ضمن طریق روایت کتاب را منتفی سازد» (شبیری، ۱۳۹۴ش، ۳۹۵) و سپس دو سند به عنوان نمونه ذکر شده که تحویل در آن را، از نوع تحویل در طریق شناخته شده است. آنچه مورد انتظار است آن است که توضیح داده شود چگونه تحویل در طریق این روایات مشخص شده است؟ آیا می‌توان بدون آن که طریقی در فهرست‌ها ذکر شده باشد یا پیش از یافتن منبع روایت، بخش طریق آن را مشخص کرد؟ آیا شواهد یا مدارکی مبنی بر تحویل در طریق سندها وجود دارد؟

ب. دلیل آن که مؤلفه «ابهام در سند» به عنوان قرینه‌ای در شناسایی منابع یک اثر روایی است، چنین بیان شده است که در رجال نجاشی و الفهرست شیخ طوسی، هیچ تعبیر مبهمی مانند آن چه ذکر شد، وجود ندارد. موارد نادر نیز در طریق آثار افرادی مانند علی بن یقطین، زراره و سلمان الفارسی است که کتاب معروفی ندارند (شبیری، ۱۳۹۴ش، ۳۸۸، پانوشت ۴). این در حالی است که از زراره، دست‌کم الاستطاعة و الجبر (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۰۹، ش ۳۱۳؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۷۵، ش ۴۶۳) و از علی بن یقطین، چند کتاب از جمله «مَا سُئِلَ عَنِ الصَّادِقِ (ع) مِنَ الْمَلَا حِم»، «مُتَاطَرَةُ الشُّكَاكِ بِحَضْرَتِهِ (ع)» و «مَسَائِلُ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع)» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۷۰، ش ۳۸۹) گزارش شده است.

پ. در مؤلفه «تکرار بخش آغازین سند در گروهی از روایات پی‌درپی» دلیل این امر که منبع روایت، در نقطه پراکندگی سند قرار دارد، تبیین نشده است.

۳-۲-۳. ضعف در کارآمدی مؤلفه‌ها

بر اساس مؤلفه تکرار بخش آغازین سند در گروهی از روایات پی‌درپی، منبع مستقیم مؤلف به دست نمی‌آید؛ بلکه متقدم‌ترین منبع حاصل می‌شود که به هیچ وجه احتمال اخذ از منابع واسطه در آن منتفی نیست. این اشکال در مؤلفه «وجود اسانید با بخش ابتدایی مشترک در یک اثر» نیز برقرار است.

۳-۲-۴. مرحله‌ای نبودن روش و مشخص نبودن اولویت‌ها

شیرینی مراحل اجرای روش خود را به ترتیب اولویت‌ها بیان نکرده است؛ به بیان دیگر، گام‌های روش مشخص نیست. به طوری که در بازیابی منابع نمونه مورد بررسی (الغیبة)، هربار یک یا چند مؤلفه، بدون رعایت اولویت مطرح شده است. این در حالی است که به طور ضمنی می‌توان دریافت که برخی مؤلفه‌ها مانند تصریح مؤلف یا راویان و طرق آثار در اولویت بوده‌اند.

۳-۲-۵. به کارگیری غیر جامع مؤلفه‌های روش

پیش از این، ده مؤلفه از روش شیرینی مطرح شد. آنچه مورد انتظار است آن است که همه این مؤلفه‌ها در شناسایی منابع یک نمونه، مدنظر قرار گرفته باشند؛ به ویژه در مواردی که به کارگیری تنها یک مؤلفه یا برخی از آن‌ها، منتهی به نتیجه نشده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف. در سند «أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارِ (بِقُمْ) قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانِ الرَّازِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يُونُسَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانِ الرَّازِيِّ وَحَدَّثَنَا بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۸۵، ح ۱۶)، گفته شده است که ممکن است تکرار نام محمد بن حسان الرازی موجب این تصور شود که او، مؤلف منبع مکتوب است؛ اما وی صاحب کتابی که بتوان احتمال اخذ روایت از آن داد نیست (شیرینی، ۱۳۹۴ش، ۳۹۳). این

۱. محمد بن عیسی عن عبدالرزاق از سند افتاده است و شکل درست آن عبارت است از: «أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارِ بِقُمْ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانِ الرَّازِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانِ الرَّازِيِّ وَحَدَّثَنَا بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ...».

در حالی است که ذکر نشدن نام یک فرد در فهرست‌ها، چنان‌که شبیری نیز بدان اشاره کرده، دلیل قطعی بر مؤلف نبودن آن فرد نیست؛ زیرا فهرست‌ها تنها برخی از طرق خود به آثار را ذکر کرده‌اند. علاوه بر این، محمدبن علی الکوفی گزینه محتمل منبع بودن شناخته شده است (همان)؛ این در حالی است که تنها فردی که با نام محمدبن علی از محمدبن سنان، روایت کرده، محمدبن علی ابوسمینه است که وی نیز کتابی در زمینه غیبت نداشته است (نجاشی، همان، ۳۳۲، ش ۸۹۴). این روایت در باب فضائل ائمه (ع) و در واقع پرسشی از امام حسین (ع) در فضیلت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است؛ بنابراین ممکن است بنابر قرینه تناسب موضوعی، از کتاب الامامة علی بن الحسین بابویه گرفته شده باشد. حتی احتمال منبع بودن مقتل الحسین محمدبن یحیی العطار نیز وجود دارد. این موارد هیچ‌کدام بررسی نشده است.

ب. در سند «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ وَحَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ...» (نعمانی، همان، ۱۳۷، ح ۲) و سند «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ...» (همان، ۲۹۳، ح ۱۰)، تحویل در نام کلینی از نوع تحویل در طریق به حساب آمده است (شبیری، ۱۳۹۴، ش ۳۹۵). از آن‌جا که الکافی کلینی موجود است، مقابله دو متن می‌توانسته کاملاً راه‌گشا بوده و صحت ادعای پژوهش‌گر را نیز به آزمون بگذارد. جستجو در الکافی نشان داد که منبع این دو روایت، الکافی است (کلینی، ۱۴۰۷، ق ۱: ۳۶۱، ح ۱)؛ بنابراین پژوهش‌گر درباره در طریق بودن کلینی، به دلیل به‌کارنگرفتن جامع مؤلفه‌ها، دچار استنتاج نادرست شده است.

۳-۲-۶. به‌کارگیری نادرست یا ناقص روش در نمونه‌ها

شبیری گرچه به مؤلفه مقابله متون توجه داشته، اما در نمونه پژوهش خود به طور جدی از آن بهره نبرده است. برخی موارد عبارتند از:

الف. الکافی، یکی از منابع احتمالی موجود الغيبة است. در برخی موارد، مقابله دو متن، راه‌گشا بوده و پژوهش‌گر را از به‌کارگیری دیگر مؤلفه‌های بازیابی منابع بی‌نیاز می‌کرده،

۱. گذشته از تصریح نجاشی (نک. همان، ۱۲۶، ش ۳۲۸)، از تفاوت در برخی طرق شیخ طوسی در فهرست با مشیخه تهذیب الاحکام و الاستبصار (برای نمونه نک. طوسی، بی‌تا، ۱۲۳، ش ۱۶۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، ق ۵۶) می‌توان دریافت که شیخ طوسی نیز، تنها برخی از طرق خود را در فهرست ذکر کرده است.

اما بدان توجه کافی نشده و مقابله دو اثر صورت نگرفته است.^۱ نمونه دیگر روایاتی است که در مبحث اخذ بالتوسط بدان اشاره شده است. شبیری زنجانی ذیل روایاتی که سند آن‌ها با «عبدالرزاق از معمر از سلیم» آغاز می‌شود، احتمال نقل مستقیم از کتاب سلیم را مورد تردید قرار داده و این احتمال را مطرح کرده است که نعمانی روایات را به طور مستقیم از کتاب عبدالرزاق و وی از کتاب سلیم دریافت کرده است. از آن‌جا که کتاب سلیم و المصنف عبدالرزاق موجود هستند، امکان مقابله و ایجاد قطعیت در این باره وجود داشته که مغفول مانده است.

ب. در سند «أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بِنْدِجِي عَنْ عُيَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى ...»، گذشته از آن که از مراجعه به فهرست‌ها به دست می‌آید که نام هیچ‌کدام از دو فرد یادشده، علی بن احمد بندنجی و عبیدالله بن موسی العلوی، در زمره مؤلفان شیعه ذکر نشده است (گرچه ذکر نشدن نام در فهرست‌ها، دلیل قطعی بر مؤلف نبودن نیست)، ابن الغضائری (د۴۲۵ق) علی بن احمد بندنجی را «ضَعِيفٌ مُتَهَابِتٌ» توصیف کرده است که به روایات او توجهی نمی‌شود (ابن الغضائری، ۱۳۶۴ق، ۸۲). عبیدالله بن موسی العلوی نیز فردی مجهول است. بنابراین این دو فرد در زمره مؤلفان به شمار نیامده‌اند و از این رو احتمال منبع بودن آن‌ها تا حد زیادی منتفی است. شبیری خود در بررسی روایتی دیگر از الغیبة، فرد مجهول (علی بن محمد بن عبیدالله الخبائسی) را از زمره احتمال‌ها، حذف کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۹۰). علاوه بر این در این سند طبق قاعده ابهام در سند، جعفر بن یحیی و افراد پیش از (متقدم‌تر از) او باید گزینه‌های محتمل منبع باشند نه دو فرد ابتدای سند که در بخش طریق قرار دارند. این اشکال در همه نمونه‌های ارائه شده ذیل این مؤلفه، از جمله سند «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ ...» (همان، ۱۶۱، ح ۱) تکرار شده و افرادی که احتمال منبع بودن برای آن‌ها طرح شده است، همگی در بخش طریق قرار دارند (برای مطالعه بیشتر نک. شبیری، ۱۳۹۴ش، ۳۸۹-۳۹۰).

پ. در سند «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو قَالَ الْكَلْبِيُّ وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرِو عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)»، نتیجه‌ای که از مؤلفه ابهام در سند حاصل

۱. برای نمونه نک. سند «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيُّ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ ...» (شبیری، ۱۳۹۴ش، ۳۸۹) و سند «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ ...» (همان، ۳۹۲).

می‌شود، نقض شده است. بنابر مؤلفه وجود نام‌های مبهم در سند، افراد متأخرتر از نام مبهم «مَنْ حَدَّثَهُ، بَعْضُ رِجَالِهِ»، در بخش طریق سند هستند؛ بنابراین کلینی نمی‌تواند منبع باشد.

۳-۲-۷. رعایت نکردن اصل یک‌نواختی در اجرای روش در نمونه‌ها

یکی از اشکالات شبیری در اجرای روش، رعایت نکردن اصل یک‌نواختی در بررسی وضعیت افراد است که به برخی نمونه‌ها اشاره میشود:

الف. در روایات ابن عقده از احمد بن یوسف، به دلیل آن که نام احمد بن یوسف در فهرست‌ها نیامده، از زمره احتمال‌های منبع بودن کنار گذاشته شده است (شبیری، ۱۳۹۴ ش، ۳۸۴)؛ اما در باب روایات اشجعی و ابن حازم از ابن عقده، نبودن نام هر دو فرد در فهرست‌ها، مانع از منبع شمردن آن‌ها نشده است (همان، ۳۸۶).

ب. مؤلفه تناسب موضوعی، در مورد همه افراد به شکل یکسان به کار گرفته نشده است. در روایات نعمانی از ابن عقده از حسن بن علی بن فضال، با وجود تصریح ابن عقده به دریافت روایات از آثار مشایخ خود، که درباره دیگر مشایخ مورد توجه جدی قرار گرفته است، منبع بودن حسن بن علی بن فضال، با وجود مؤلف بودن و صاحب‌اثر بودن در موضوع غیبت، بدون ذکر دلیل، مورد تردید قرار گرفته است (همان، ۳۸۶).

پ. درباره سندهایی که پیش از عنوان مبهم فقط یک نفر وجود داشته، همان یک نفر به شرط مؤلف بودن، منبع شمرده شده است (همان، ۳۹۱). شرط مؤلف بودن که شرط درستی نیز هست، در سند «أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بَدَنِيحِي عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ عَمَّنْ زَوَاهِ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى ...» به کار گرفته نشده و دو فردی که مؤلف نبودند، به عنوان منبع احتمالی طرح شدند.

۳-۲-۸. تناقض در نتیجه‌گیری‌ها

در نمونه‌های زیر از روایات بررسی شده در پژوهش‌های یادشده از شبیری، موارد زیر شامل تناقض در نتیجه‌گیری است:

الف. در سند «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍ؛ قَالَ الْكَلِينِيُّ وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)»، نتیجه‌ای که از مؤلفه ابهام در سند حاصل

می‌شود، نقض شده است. بنابر مؤلفه وجود نام‌های مبهم در سند، افراد متأخرتر از نام مبهم «مَنْ حَدَّثَهُ، بَعْضُ رِجَالِهِ»، در بخش طریق سند هستند؛ بنابراین کلینی نمی‌تواند منبع باشد.

ب. مؤلفه «تکرار بخش آغازین سند در گروهی از روایات پی‌درپی» هم پوشانی زیادی با برخی از موارد مؤلفه «تحویل» دارد. به عنوان مثال در سند «أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ - فِي شَعْبَانَ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ وَمِائَتِينَ - قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَيْفٍ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنٍ ...» که بعد از آن آمده است «وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ مَعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۱۳۵، ح ۱۹)، در زمره تحویل در سند دانسته شده که می‌بایست ذیل مؤلفه تکرار بخش آغازین بدان پرداخته می‌شد. اشکال دیگر آن که دو احتمال برای منبع روایت (یحیی بن زکریا یا علی بن سیف) ذکر شده و سپس بر اساس مؤلفه تناسب موضوعی، احتمال منبع بودن یحیی بن زکریا ترجیح داده شده که با نتیجه حاصل از به کارگیری مؤلفه تکرار بخش آغازین، متناقض است.

۳-۲-۹. قضاوت بدون مدارک کافی

ذکر مواردی از سوی شبیری در فرآیند بازیابی منابع، بدون ارائه شواهد و مدارک لازم است که به برخی اشاره می‌شود:

الف. اهمیت مؤلف بودن برای فردی که به عنوان منبع شناخته شده چنان است که در مورد سندهایی که پیش از نام مبهم، تنها یک فرد غیر مؤلف وجود دارد، مانند «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ ...»، روایت در زمره روایات شفاهی به حساب آمده است (شبیری، ۱۳۹۴ش، ۳۹۱). در حالی که چنین قضاوت قاطعانه‌ای، نیازمند قرائن محکم‌تر است.

ب. یکی از فواید بازیابی منابع، چنان که شبیری اشاره کرده، یافتن طرق به آثار است که در فهرست‌ها و مشیخه‌ها، ضبط نشده است؛ اما صرف تکرار بخشی از سند در اسانید یک کتاب، دلیل بر مطابق بودن این بخش از سند با طریق به آثار متقدم‌ترین فرد مشترک نیست؛ چنان که درباره محمد بن علی الکوفی چنین استنتاجی صورت گرفته است (همان، ۴۱۲)؛ بلکه اگر منبع بودن متقدم‌ترین فرد مشترک، با مؤلفه‌های دیگر به گونه یقین‌آور اثبات شود، می‌توان بخش مشترک را، طریق به آثار وی برای مؤلف دانست. پ. در سنجش تناسب موضوعی میان عنوان یا موضوع کتاب‌ها با روایات مورد نظر،

در صورتی که موضوع کتاب از عنوان آن کاملاً قابل تشخیص نبوده یا شواهدی بر اشتغال آن اثر بر موضوعات دیگر وجود داشته باشد، باید دلایل روشن برای تعیین موضوع کتاب آورده شود. شبیری در مواردی، روایات را منتسب به اثری از یک مؤلف دانسته است؛ در حالی که دلیل انتساب مشخص نیست. به عنوان مثال در روایات حمیدبن زیاد از ابن عقده، احتمال منع بودن الدلائل، من ذم اهل الحق و النوادر مطرح شده (همان، ۳۸۵)، اما شواهدی در اشتغال این عناوین بر موضوع غیبت ذکر نشده است. در فهرست‌ها نیز طریقی از نعمانی به آثار حمیدبن زیاد ذکر نشده تا به استناد آن، احتمال منع بودن آثار وی برای نعمانی تقویت شود (نجاشی، ۱۳۶۵، ش، ۱۳۲، ش، ۳۳۹؛ طوسی، ۱۴۲۰، ق، ۱۵۵، ش، ۲۳۸).

۳-۲-۱۰. تسری نتیجه به نمونه‌های مشابه

۱- برخی از مبانی و معیارهای شبیری در بازیابی منابع آثار روایی عبارتند از: الف. بررسی اسانید روایات به منظور بازیابی منابع یک اثر روایی، باید از ابتدای سند (سوی متأخر) صورت بگیرد؛ ب. منابع احتمالی یک اثر، همه افرادی هستند که در سلسله سند قرار دارند؛ پ. یادنشدن نام یک فرد در فهرست‌ها، دلیل بر مؤلف نبودن او نیست؛ ت. آثاری که در فهرست‌ها ذکر شده‌اند، همه آثار مؤلفان نیستند؛ ث. مجهول بودن یک فرد، دلالت بر منتفی بودن احتمال منبع بودن او دارد؛ ج. مؤلف نبودن افراد سلسله سند، دلالت بر شفاهی بودن آن روایت دارد؛ چ. تصریح مؤلف یا روایان بر منابع خود، بر دیگر قرینه‌ها برتری دارد؛ ح. پس از تصریح مؤلف یا روایان، قرینه طریق بر دیگر قرائن ترجیح دارد.

۲- در این مقاله ده مؤلفه در روش شبیری شناسایی شده است که عبارتند از: ۱. تصریح مؤلف یا روایان؛ ۲. مقابله متون؛ ۳. تناسب موضوعی؛ ۴. ابهام در سند؛ ۵. تحویل در سند؛ ۶. تکرار بخش آغازین سند در گروهی از روایات پی در پی؛ ۷. وجود سندهایی با بخش ابتدایی مشترک؛ ۸. طریق به آثار؛ ۹. یافتن منابع واسطه؛ ۱۰. شمارگان روایات یک راوی در یک کتاب.

۳- مزایای روش شبیری در بازیابی منابع شامل: ۱. تنوع و تعدد مؤلفه‌های روش؛ ۲. مواجهه صحیح با سند؛ ۳. توجه به احتمال اخذ از منابع واسطه است. کاستی‌های این روش نیز عبارتند از: ۱. ذکرنشدن منابع یا خاستگاه‌های مؤلفه‌ها؛ ۲. تبیین ناقص یا عدم تبیین نحوه کارکرد مؤلفه‌ها؛ ۳. ضعف در کارآمدی مؤلفه‌ها؛ ۴. مرحله‌ای

نبودن روش و مشخص نبودن اولویت ها؛ ۵. به کارگیری غیرجامع مؤلفه های روش؛ ۶. به کارگیری نادرست یا ناقص مؤلفه ها در نمونه ها؛ ۷. رعایت نکردن اصل یکنواختی در اجرای روش در نمونه ها؛ ۸. تناقض در نتیجه گیری ها؛ ۹. قضاوت بدون مدارک کافی؛ ۱۰. تسری نتایج به نمونه های مشابه.

۴- روش شبیری در بازیابی منابع، در صورتی که: ۱. بنابر اولویت ها و مرحله گونه، جامع و به طور یکنواخت به کار گرفته شوند؛ ۲. در اجرای آن ها دقت لازم صورت گیرد؛ ۳. از تسری نتایج به موارد دیگر خودداری شود؛ ۴. اطلاعات به کارگرفته شده مبتنی بر شواهد و مدارک کافی باشد؛ ۵. به تناقض در استنتاج ها توجه شود، می تواند در بازیابی منابع آثار روایی، روشی کارآ و موثر باشد.

منابع

ابن الغضائری، احمد بن حسین، رجال، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق. اثباتی، اسماعیل، طباطبایی، سید کاظم، «جستاری در باب منابع داده های تاریخی کتاب الکافی»، علوم حدیث، ۱۳۹۳ش، ۷۱، صص ۲۹-۵۲.

«تبارشناسی منابع روایات اعتقادی الکافی»، کتاب قیم، ۱۳۹۶ش، ۱۷، صص ۲۶۵-۲۸۸.

باقری، حمید، «الکافی و روایات اسحاق بن محمد احمر نخعی؛ تلاشی برای شناسایی منبع کلینی در نقل روایات اسحاق»، رهیافت هایی در علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۶ش، ۱، صص ۹-۲۸
«حسن بن عباس حریش و کتاب انا انزلناه فی لیلۃ القدر وی، نمونه کتابی عرضه شده بر امام»، حدیث پژوهی، ۱۳۹۴ش، ۱۳، صص ۱۳۳-۱۶۶.

بلامی، ای. جیمز، «مصادر کتاب مقتل امیرالمؤمنین علی (ع) تألیف ابن ابی الدنیا»، ترجمه محمد منیب، سخن تاریخ، ۱۳۹۷ش، ۲۷، صص ۱۰۱-۱۴۰.

پهلوان، منصور؛ طارمی راد، حسن؛ سهیلی، محمد حسین، «بازسازی کتاب الحج معاویة بن عمار و ارزیابی طرق روایات آن با تأکید بر احادیث زیارت»، پژوهش های قرآن و حدیث، ۱۳۹۶ش، ۱، صص ۳۳-۵۹

جدیدی نژاد، محمدرضا، «روش دستیابی به منابع الکافی»، آینه پژوهش، ۱۳۸۹ش، ۱۲۳، صص ۱۶-۲۰.
حاتمی مهر، سمیرا؛ فرجامی، اعظم، «الگویابی اسناد کلینی به کتاب زرارة بن أعین»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۵ش، ۳۰، صص ۱۱۹-۱۵۰.

حدادی، آمنه و دیگران، «تحلیل کارکرد حلقه مشترک در بازیابی منابع آثار روایی؛ مطالعه موردی روایات علی بن ابراهیم در الکافی»، علوم قرآن و حدیث، در نوبت انتشار.

حمادی، عبدالرضا؛ حسینی، سید علیرضا، «بازشناسی منابع کلینی در تدوین الکافی»، حدیث پژوهی، ۱۳۹۳ش، ۶، صص ۱۸۱-۲۰۶.

رحمان ستایش، محمد کاظم؛ شهیدی، روح الله، «بازیابی منابع تفسیر قمی»، حدیث پژوهی، ۱۳۹۲ش، شماره ۵ و ۶، صص ۳۳۲-۳۶۱.

رحمتی، محمد کاظم، «بازیابی متون کهن امامی در آثار شیخ صدوق»، حدیث و اندیشه، ۱۳۸۵ش، ۱، صص ۵-۳۵

- زعفرانی‌زاد، سعید، «سرچشمه‌های متنی کهن، سیری در منابع تفسیر نعمانی»، مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۸۶ش، سال اول، شماره اول، صص ۱۴۵-۱۶۲.
- سرخه‌ای، احسان، «کتاب حلبی؛ منبعی مکتوب در تألیف الکافی»، علوم حدیث، ۱۳۸۸ش، ش ۵۱، صص ۳۴-۵۸.
- سزگین، فواد، تاریخ نگارش های عربی، ترجمه موسسه نشر فهرستگان، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ش.
- _____، محاضرات فی تاریخ العلوم العربیة و الاسلامی، منشورات معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة فی اطار جامعة فرانکفورت، فرانکفورت، ۱۴۰۴ق.
- شبییری زنجانی، سید محمدجواد، «منابع نعمانی در غیبت»، بازسازی متون کهن حدیث شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۴ش، صص ۳۷۹-۴۳۰.
- _____، «مصادر الشیخ الطوسی فی کتابه التهذیب الاحکام»، علوم الحدیث، ۱۴۲۰ق، سال سوم، ش ششم، صص ۱۶۸-۲۲۴.
- _____، «الکاتب النعمانی و کتابه الغیبة»، ۱۴۱۹ق، علوم الحدیث، ش سوم، صص ۱۷۵-۲۳۸.
- _____، توضیح الاسناد المشکلة فی الکتب الاربعة، قم، دارالحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ق.
- طارمی، حسین، «پیشینه مکتوب منابع معتبر حدیثی شیعه امامیه»، کنگره بین المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، ۱۳۷۴ش، دوره ۱، صص ۲۱۹-۲۳۵.
- طوسی، محمدبن حسن، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الاصول، تحقیق عبدالعزیز طباطبایی، قم، کتابخانه محقق طباطبایی، ۱۴۲۰ق.
- _____، تهذیب الاحکام، به تحقیق حسن موسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- عمادی حائری، سیدمحمد، «درنگی در منابع مکتوب الايضاح»، علوم حدیث، ش ۳۹، صص ۱۳۶-۱۴۷.
- _____، «مسائل محمدبن مسلم در کافی کلینی»، در بازسازی متون کهن حدیث شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۴ش، صص ۳۱۵-۳۴۱.
- غفوری‌نژاد، محمد؛ معرفت، محمد، «تحلیل مصدرشناختی احادیث الغیبة شیخ طوسی»، شیعه‌پژوهی در اسلام، ۱۳۹۶ش، ش ۵۷، صص ۵-۲۸.
- قاسم‌پور، محسن؛ علی‌اکبریان، مجتبی، «النوادر اشعری، مصدر حدیثی الکافی کلینی»، مطالعات فهم حدیث، ۱۳۹۶ش، ش ۱، صص ۹-۳۳.
- قربانی، محمد، «اسناد پرتکرار نشانی از منابع مکتوب الکافی»، حدیث‌حوزه، ۱۳۹۴ش، ش ۱۰، صص ۱۱۳-۱۳۶.
- کلیبرگ، اتان، «آثار شیخ مفید در آثار سیدبن طاووس»، ترجمه علی قرانی و رسول جعفریان، مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، ۱۳۷۲ش، ش ۹۱، صص ۳-۱۸.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- مدرسی طباطبایی، سیدحسین، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخست هجری، ترجمه رسول جعفریان و سید علی قلی قرانی، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ش.
- مردانی، مهدی، «مبانی و روش‌های بازبانی متون حدیثی کهن در سایه بازبانی کتاب زید بن وهب»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۲ش، ش ۱، صص ۱۴۷-۱۷۵.

- معرفت، محمد؛ غفوری نژاد، محمد، «بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبة نعمانی»، شیعه پژوهی، ۱۳۹۷ش، سال چهارم، شماره چهاردهم، صص ۵-۲۶.
- مفید بجنوردی، امید، «چگونگی ارتباط کلینی با کتاب محمد بن مسلم در پرتو بررسی اسناد و داده‌های کتاب شناختی»، حدیث حوزه، ۱۳۹۸ش، ش ۱۸، صص ۶۱-۹۶.
- مسعودی، محمد، «بازشناسی مصادر الغیبة طوسی»، انتظار موعود، ۱۳۸۸ش، ش ۲۸، صص ۱۳۳-۱۵۲.
- ملکی تراکمه‌ای، محمود، «بازیابی و اعتبارسنجی آثار علی بن مهزیار با تکیه بر بخش اصول کتاب الکافی»، حدیث حوزه، ۱۳۹۶ش، ش ۱۴، صص ۴۵-۶۸.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم، اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، به تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق.
- نیل‌ساز، نصرت، خاورشناسان و ابن عباس، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳ش.
- _____، رجائی فرد، ابوالفضل، «کارکرد فهرست‌های شیخ طوسی و نجاشی در تکمیل روش سرگین در بازیابی منابع آثار کهن روایی؛ مطالعه موردی کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی»، مطالعات فهم حدیث، ۱۳۹۶ش، ش ۱، صص ۱۳۱-۱۵۸.